

به جا مانده از بهترین جام جهانی تاریخ

پالیسی علیه قطر!

گزارش

سعید زاهدیان-امیر اسدی

روزنامه‌نگار

رسانه‌های غربی، سبب بلاتریا فساد و رشوه در رقابت انگلیس و قطر، میزبانی را به شبهه جزیره کوچک خلیج فارس داد اما رویکرد اینفانتینو که بازیابی چهره مخدوش فیفا از ابتدای شروع کارش بود، در موضوع میزبانی قطر مشخص بود: «بهترین جام جهانی تاریخ!» بزرگ داشت؛ رؤسای فیفا، یوفا و ای اف سی؛ بلاتریا پلاتینی و بن همام به دلیل فساد کاری بعد از میزبانی برکنار شدند اما حالا رئیس جدید فیفا که تلاش کرده تا چهره ناپاک این نهاد را تمیز و منزه نشان دهد هم از میزبانی قطر تمام قد دفاع می‌کند. آیا او صادقانه حرف می‌زند؟

هدیه ویژه قطر

۲- یکی از شعارهای فیفا و قطر، هدیه ویژه‌ای بود که در اختیار علاقه‌مندان به فوتبال قرار گرفته بود؛ کوچک بودن قطر - به نسبت میزبان‌های قبلی نظیر روسیه و برزیل که صاحب کشور پنهان‌وری هستند و هر بازی در یک شهر برگزار می‌شد - این تفاوت را ایجاد کرده بود تا ما - خبرنگاران و حتی اهالی فوتبال - در دوحه از امکان تماشای ۲ بازی در روز برخوردار باشیم.

سوازی اینک برای هر مسابقه باید حداقل ۴ ساعت فشار سنگین را پشت سر می‌گذاشتیم - اگر ساعت ۱۲ ظهر محل اقامت را ترک می‌کردیم، بعد از مسابقه ساعت ۱۰ شب، زودتر از ۲ بامداد به هتل بر نمی‌گشتیم - اما این ماجرا مزایایی داشت؛ آشنایی و دوستی با خبرنگاران خارجی که در بسیاری موارد در منطقه خبرنگاران (تریبون) برنامه روی استیج رفت، از جمله «ما میزبان بهترین جام جهانی تاریخ بودیم» استفاده کرد. اگرچه از نگاه

این خط مشی کاری است

۳- در یکی از بازی‌ها کنار خبرنگار بیلند نشستیم بودیم؛ پرسش ما واضح و روشن بود: «نظرت در مورد قطر چیست؟» که جواب داد: «نظرم من یا نظری بیلند اشپیکل؟» این جمله نشان می‌داد که انگار نظر او و رسانه‌اش یکسان نیست؛ ما دنبال هر دو سؤال بودیم. ابتدا نظر شخصی‌اش را پرسیدیم. خبرنگار بیلند خیلی واضح و شفاف جواب داد: «این چهارمین دفعه است که به جام جهانی می‌آیم اما به نظرم این بهترین جام جهانی تاریخ است!» و در ادامه گفتیم: «پس چرا هر روز رسانه شما یا سایر رسانه‌های اروپایی علیه میزبانی قطر می‌نویسند؟»

۲- یکی از شعارهای فیفا و قطر، هدیه ویژه‌ای بود که در اختیار علاقه‌مندان به فوتبال قرار گرفته بود؛ کوچک بودن قطر - به نسبت میزبان‌های قبلی نظیر روسیه و برزیل که صاحب کشور پنهان‌وری هستند و هر بازی در یک شهر برگزار می‌شد - این تفاوت را ایجاد کرده بود تا ما - خبرنگاران و حتی اهالی فوتبال - در دوحه از امکان تماشای ۲ بازی در روز برخوردار باشیم. سوازی اینک برای هر مسابقه باید حداقل ۴ ساعت فشار سنگین را پشت سر می‌گذاشتیم - اگر ساعت ۱۲ ظهر محل اقامت را ترک می‌کردیم، بعد از مسابقه ساعت ۱۰ شب، زودتر از ۲ بامداد به هتل بر نمی‌گشتیم - اما این ماجرا مزایایی داشت؛ آشنایی و دوستی با خبرنگاران خارجی که در بسیاری موارد در منطقه خبرنگاران (تریبون) برنامه روی استیج رفت، از جمله «ما میزبان بهترین جام جهانی تاریخ بودیم» استفاده کرد. اگرچه از نگاه

جام جهانی به کمک زلزله رفت

۴- اما چرا قطر بهترین میزبان تاریخ بود؟ از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۲ قطر رسماً میزبانی

را بر عهده گرفت، در شهر دوحه هفت ورزشگاه لوکس و استثنایی ساخت که سرانجام ورزشگاه ۹۷۴ که با مجموعه‌ای از کانیتینرها به استاد یوم تبدیل شده بود، با پایان مرحله گروهی جمع‌آوری و کانیتینرهاش به عنوان سرپناه و خانه به مناطق فقیر آفریقا رفت. بعد از زلزله ترکیه، کانکس‌هایی که به هواداران اجاره داده می‌شد هم از سوی دولت قطر به عنوان کمک به آتیهایی که خانه و کاشانه‌شان در زلزله اخیر ترکیه نابود شده بود اهدا شد. یک کانیتینر با وسایل زندگی کامل مشکل از دو تختخواب، سرویس بهداشتی و سیستم گرمایش و سرمایش. یعنی جام جهانی بهانه‌ای شد تا امکانات قطر برای توریست‌ها

را به زلزله زده‌های ترکیه و سوریه اهدا کند. سوازی این اقدام، حضور در هشت استاد یوم قطر برای اغلب ما خبرنگاران ایرانی مایه حسرت و افسردگی بود. بگذارد یک سوزن به خودمان بزنیم. در کمتر از ۱۰ سال، هفت ورزشگاه - بجز استاد یوم خلیفه که برای بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ ساخته شده بود. در این مدت ما چه چیز بزرگی برای ورزش ایران ساختیم؟ استاد یوم‌های دوران علی‌آبادی با نقشه‌های یکسان که معماری‌اش به ۷۰ سال قبل زمان جنگ جهانی برمی‌گشت؟ حمل و نقل رایگان و بی‌نظیر متروی قطر

بعد از هر بازی بزرگ، چیزی بالغ بر ۸۰ هزار نفر را از ورزشگاه به خانه‌هایشان می‌رساند؛ آن هم در کمتر از دو ساعت، بی‌آنکه اثری از ترافیک و مختل شدن زندگی مردم باشد. اما دربی تهران با تمام تمهیدات، چنان بلبشویی اطراف استاد یوم درست می‌کند که نگو و نپرس. ترافیک و دردسرهای دربی از صبح تا غروب تهران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و ما مدام مقایسه می‌کردیم که اگر در تهران روزی دو مسابقه با حضور ۹۰ هزار تماشاگر برگزار شود، آیا در پایتخت امکان رفت و آمد یا فرصتی برای زندگی روزمره هست؟ ای کاش مسئولان ایران در کنار جام جهانی، همین بدیهیات را می‌دیدند.

شهرهای بیمارستانی رایگان

۵- برای تمام کسانی که «هیا» کارت داشتند، در چهار گوشه شهر چهار بیمارستانی وجود داشت که بدون یک ریال هزینه کار درمانی افرادی که برای تماشای جام جهانی به قطر آمده بودند را انجام می‌داد. از ویزیت گرفته تا انواع آزمایش‌ها، کارهای درمانی و داروی رایگان. آیا در ایران همه چیز برای بیماران رایگان است و سرویس مناسبی به شهروندان داده می‌شود؟

مدیا آفیسر فیفا، خبرنگاران، غذای هتل و...

۶- از خبرنگاران اعزامی خودمان که نگویم؛ لارا، مدیا آفیسر اصلی فیفا چند جمله فارسی یاد گرفته بود؛ یکی از بچه‌ها که به انگلیسی تسلط بیشتری داشت، از او پرسید که چطور فارسی یاد گرفته. با خنده جواب داد: «از خبرنگاران ایرانی... هیچ چیز بلد نیستند و هر روز

تعدادی زیادی از آنها سراغ می‌آیند و بدیهی‌ترین کارها را هم نمی‌دانند. جای قهوه و چای در مرکز خبری را هم از من می‌پرسند. به قدری با آنها سر و کله زدم که در این ۲۰ روز کمی فارسی یاد گرفتم.»

خبرنگاران هتل نشین

۷- صحبت از خبرنگاران که شد، یاد هتل محل اقامت افتادم؛ یاد پیشکسوتان و با تجربه‌های مطبوعات که باید مورد احترام ما باشند. چند ساعت مانده به بازی ایران و آمریکا، تعدادی از آنها با هم چک و چانه می‌زدند که چرا برویم ورزشگاه؟ از لابی هتل هم می‌شود بازی را دید! گروه دیگری دنبال بلیت مسابقه بودند، در حالی که با «ID کارت» می‌توانستند از تریبون - جایگاه خبرنگاران که بهترین جای استاد یوم بود - بازی را ببینند اما انگار برای‌شان سخت بود که یک ربع تا مرکز رسانه شهر دوحه بروند و ۲ ساعت مانده به بازی بلیت خود را پرینت بگیرند. برای همین تلاش می‌کردند تا از فدراسیون بلیت سکوی هواداران را بگیرند و بی‌زحمت با اتوبوس همراهان به ورزشگاه بیایند. نکته جالب‌تر اینکه صبح، ظهر، شب، نیمه‌شب و دم صبح، گروهی از خبرنگاران روی کاناپه و مبل‌های لابی ولو بودند و به جای تماشای دو بازی در روز - که انصافاً کار سخت و سنگینی بود - هر سه وعده صبحانه، ناهار و شام هتل را ترجیح می‌دادند؛ گاهی آنها را کیسه به دست در حال بازگشت از فروشگاه و سیتی سنتر هم می‌دیدیم. و جالب‌تر اینکه آنها از ما که روزی ۱۰ ساعت صرف رفتن و تماشای بازی‌ها می‌کردیم با تعجب می‌پرسیدند: «شما نیستید؟ کجا بودید؟ کجا می‌روید و چرا نمی‌بینیم تان؟!» درست

می‌گفتند؛ نه آنها در هتل ما را می‌دیدند و نه مادر ورزشگاه، کنفرانس و میکسد زون دوستان را زیارت می‌کردیم.

همه بودند جز مربیان ایرانی

۸- بعد از بازی، پاتوق ما کنار خروجی VIP ورزشگاه لوسیل و البیت بود؛ جایی که چهره‌های مشهور و معروف بیرون می‌آمدند. از رودی گارسیا مربی فعلی النصر، بورا میلوتینویچ، هکتور کوپر تا زاکرونی، مارسل دسای، زابالتا، برانکو، باتیستوتا، ورون، چیلاروت و... با تعدادی از آنها مصاحبه کردیم، اگرچه امثال کوپریا یا گارسیا که بد خلق بودند و تن به گفت‌وگو نمی‌دادند کم نبودند اما حتی یک بار بعد از حتی یک مسابقه شاهد حضور یکی از اهالی فوتبال ایران نبودیم. احتمالاً با تعطیلی لیگ، حضرات رفته بودند حالی دی و از تعطیلات نهایت استفاده را می‌بردند.

فحش خوردن بعد از یک نوشته

۹- در ایام جام جهانی آنقدر فضای کار بد شده بود که اغلب بچه‌ها کوچکترین تحرکی در فضای مجازی نداشتند؛ کافی بود تا یک تصویر یا مصاحبه از جام جهانی روی صفحه شخصی ما می‌رفت. سیل فحش و ناسزا بود که به سمت ما سرازیر می‌شد. جرم ما رفتن به جام جهانی و تهیه خبر بود. چاره‌ای جز بستن صفحه شخصی نبود. وقتی نتوانی در جام جهانی با لوکس‌ترین استاد یوم‌ها و بهترین میزبان‌ها آطور که دلت می‌خواهد کار کنی، بهترین جام جهانی برای ما به یکی از بدترین تجربه‌های کاری تبدیل شده بود. بهترین جام جهانی تاریخ، بدترین جام جهانی ایرانی‌ها!

